

گفت و گو

نماینده میروان در گفت و گو با «شهروند»

۳۶۸ کشته و ۱۶۰۰ مجروح در اثر انفجار مین در کردستان



شهروند | انفجار مین سال هاست که در استان‌های غربی ایران قربانی می‌گیرد. سال‌ها هم می‌شود که مسئولان دولتی می‌گویند باین‌که نقشه مین‌گذاری‌ها در این مناطق وجود ندارد، پاکسازی استان‌هایی مانند کردستان تمام‌شده اما واقعیت چیز دیگری می‌گوید. امید کریمیان، نماینده پارلمانی کردستان می‌گوید براساس آمار از سال ۶۷ تا به حال، ۳۶۸ نفر در استان کردستان بر اثر انفجار مین جان خود را از دست داده‌اند و ۱۶۰۰ نفر هم مجروح شده‌اند. بگفته او ۴هزار پایگاه و نقاط آلوده به مین در این استان و به وسعت ۱۴۸۰ هکتار شناسایی شده است. او در این باره به «شهروند» می‌گوید: «منطقه ما به واسطه جنگی بودنش، مین را به‌عنوان یک چیزی که نظمیده، با خودش دارد. دولت هم چندین سال است که شروع کرده به این کار، ولی با توجه به این‌که پاکسازی دارای شرایط خاص آب و هوایی و فرسایش خاک و... دارد، نظم پاکسازی به هم خورده و قاعده خاصی برای پاکسازی‌ها نیست. شاید دولت بگوید طبیعی است که طبق قانون تحت پوشش جانباختن قرار بنیاد شهید کودکان قربانی مین را تحت پوشش قرار می‌دهیم ولی تا آخر عمر این بچه‌ها ناقص می‌شوند و لحاظ روحی و روانی باید در این جامعه بزرگ شوند. بحث جانگیری مشکل آنها را حل نمی‌کند. مین‌زدایی گفت کردستان پاکسازی شده، هرگز مین‌زدایی هم تضمین صد درصدی نمی‌کند. هر چند مرکز مین‌زدایی به تعداد کسانی که مردم شهید و جانباز می‌دهند، شهید می‌دهد و این نشان می‌دهد پای کار بوده‌اند. او ادامه می‌دهد: «براساس گزارش‌های تکرار شده از سوی مسئولان منطقه که پاکسازی شده‌اند، انفجار مجدد در آنها رخ داده است و این مشخص می‌کند که پاکسازی در این مناطق به صورت دستی و بدون ظرفیت خاص انجام شده و در این مورد دقت لازم اعمال نشده است.»

گزارش

در سوگ ۱۷هزار کودک عراقی، سوریه، فلسطینی و افغان

۲۵۰ شمع برای کودکان قربانی جنگ روشن شد



شهروند | بوستان ملت، جمعه شب شاهد روشن شدن ۲۵۰ شمع در سوگ ۱۷ هزار کودک عراقی، سوریه، فلسطینی، افغان و دیگر کودکانی که در ۱۴ سال گذشته قربانی جنگ شده‌اند بود. شمع‌ها در مقابل دیدگان نزدیک به ۸۰۰ نفر از مردمی که در بوستان ملت جمع شده بودند، سوخت. آنها در تاریکی شب، کودکانی را یاد آوردند که از سال ۲۰۰۰ طی جنگ‌های داخلی و خارجی جانشان را از دست داده‌اند. مراسم در محوطه‌ای در نزدیکی استخر این بوستان برگزار شد. گروهی مطالباتی مستقل از سایرین چی‌اوا که آمار و ارقام کودکان قربانی جنگ در یک‌دهه اخیر را جمع کرده بودند با شمع‌ها و اسامی تعدادی از این قربانیان، این مراسم منواری را برپا کردند. آنها ۲۵۰ شمع روشن کردند، به یاد ۱۱ هزار و ۴۲۰ کودک سوریه، ۴ هزار و ۹۱۱ کودک عراقی و یک هزار و ۸۶۸ کودک فلسطینی. از سال‌های ۲۰۰۰ با انتفاضه دوم در فلسطین و سپتامبر ۲۰۰۱ با حمله آمریکا به افغانستان و مارس ۲۰۰۳ با حمله آمریکا به عراق و در ادامه آن درگیری‌های عراق و یک هزار و ۲۰۹ کودک عراقی تا آخرین حمله‌ها به فلسطین، سوریه و عراق، بیش از ۱۷ هزار کودک بی‌گناه جانشان را از دست دادند. اما رها اما خیلی بیشتر و دردناک‌تر از اینهاست. کودکان تنها با یک نام قربانی جنگ نشده‌اند، بنام و بی‌خانمان مانند آنها هم مظلومیتشان را دوچندان کرده است. در گزارشی عنوان شده که نزدیک به ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار کودک عراقی، یک یا هر دو والدینشان را طی جنگ از دست داده‌اند. ۶۰ هزار کودک دیگر این کشور هم در خیابان زندگی می‌کنند. تنها حمله آمریکا به عراق نبوده، جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی و حملات اخیر داعش، آنها را بیشتر کرد. مراسم جمعه‌شب هم برای یادآوری همین جنایت‌ها علیه کودکان بود. مردم آمدند، نشستند و روی بره‌گانه‌های که نام و سن این کودکان نوشته شده بود، شمع‌ی روشن کردند. «جنگ در یک قدمی ماست»، اولین پیام تمام‌کنسلی بود که در تارک یکی شب، دور هم جمع شده بودند. «نمی‌شود نسبت به این مرگ‌ومیر‌هایی تفاوت بود، این را یکی از بزرگ‌ترین گناهان مراسم می‌گوید. «اسرائیل در حال جنایت است، در این مراسم هم حملات اخیر او به فلسطین محکوم شد.»

گزارش شهروند از کودکانی که در غرب کشور قربانی تله‌های انفجاری می‌شوند

زخم مین بر چهره کودکان میروان

الناز محمدی | روزنامه نگار



عکس سیم تقیانی / شهروند

می‌زدند و بعد همه را بر دند سمت ماشین که سوار کنند و رقیتم سمت میروان، امیدوارم شما هیچ وقت همچین چیزی را نبینید. خیلی اتفاق بدی بود. بعدش رقیتم منتظر اویند. بازی شروع می‌شود، «گشین» مهاجم است، «خبات» مدافع است و «اسینا» توپ جمع کن. پیام تانزدیک فوژک پایش را قطع کنند. نگرانی من حالا خوب بازی می‌کنند. در روستای دور افتاده آنها، با آن خانه‌های درهم و کوه‌های لاغر که جز سنگ و مین چیزی برای آنها نمی‌آورد، فوتبال یک بازی مردانه نیست. برای همین هم است که «گشین» ۱۰ ساله خوب پیش می‌رود که صدایشان روستا را پر کرده. گل پشت گل است که می‌رود در دروازه، از زانو، زیر درخت زردآلو، یکی دو تایی تماشاگر هم دارند البته؛ نشکانش آمده کم‌سمن و سال، کم ندارد. از وسایل بازی برای بچه‌ها هم که خبری نیست، فوتبال بازی اول و آخر آنهاست. صدای دست و هواریشان از پنجره‌های خانه‌ها کاک «برهان» می‌رود داخل و از درهای خانه کاک «ناصر» بیرون می‌رود و می‌رسد به آسمان آبی و سرد نشکانش. میهمان‌های خانه «برهان» و «رایعه» کم کم بالش‌های دور خانه را برمی‌دارند و می‌گذارند زیر سرشان تا خواب بعد از ظهر را شروع کنند. «رایعه» مادر، ۳۰ ساله‌ی «گشین» رفتاری بام‌گلی خانه، پتو والی و پتوهای روز، یک پر معمولی پاییزی است. هوا خوب است. صدای بچه‌ها می‌آید، صدای خنده‌شان، بچه‌گانه کردی حرف زدنشان و... و ناگهان یک صدای بلند و هم‌جای می‌لرزد. ساعت می‌ایستد. روی چهار چوب و چهل و پنج دقیقه و قیامت می‌شود. «خدا آن روز را پیش چشم هیچ کس نیارود». حلال دیگر از صدای بچه‌ها خبری نیست. از صدای «زانا» که از «اسینا» می‌خواهد توپ را زودتر برای او ببیند؛ «توپ‌که بوم بخوره» آسمان بالای درخت گردو فرمز شده و زمین زیر آن هم رنگ خون، رنگ انفجار، زرد سیاه نمی‌گذارد. چشم، چشم را ببیند. در ۱۱۰ نفر ساکن نشکانش، صدای شنیدنند آنها به این صداهای خنده‌دارند، بیشتر شب‌ها چنگ‌های اطراف روستایشان که آتش می‌گیرد، مین پشت گلوله است که منفجر می‌شود و گلوله پشت مین و صدایش می‌پیچد در روستای سناکت آنها. حالا هم فکر کرده اند، صداهای صدای همیشگی است. حتی «رایعه» تا چند ثانیه اول هنوز به شنستن توجه‌اش می‌دهد که «زورین» دختر کوچکترش که از تماشاچی‌های فوتبال بوده، می‌آید و او را می‌شوود به پایش. «دردت به کولم چی شده؟» او می‌گوید که چیزی نیست، جسم سالم است، که اصلا او فوتبال بازی نمی‌کرده. او «ولی گشین مادر، گشین» و بعد «رایعه» و «برهان» و «عزیز» و «اسینا» و همه روستایان صدای بچه‌ها می‌فهمند که این بار فرق می‌کند. این بار مین از پایین پای پایگاه نظامی چسبیده به خانه «برهان» آمده پایین، رفته زیر درخت گردو، تا پای «گشین» به جای توپ به آن گیر کند. مادر «آلا»، یادبچی خودش می‌افتد. وقتی ۲۰ سال توپ در زمین روستا باشش نرفز از دوستهایش رفت بود جایز نزدیکی همین درخت گردو تا بازی کند و انفجار مین، بازیشان را ناتمام گذاشت. «پوپا» شش ساله را با خودش برد و بقیه را زخمی کرد. او و بقیه زن‌های ده، تنوی همین فکرها بودند که رسیدند به جایی که خون بچه‌هایشان، رنگ خاک زیر درخت گردو را فرمز کرده بود؛ فرمز قرمز. و بعد «رایعه» گشین را دید که شش متر آن طرفتر، با پشت آمده بود زمین و پای راستش مثل همیشه نبود. انگشت‌هایش و می‌گفت «می‌شود من باین خانم‌ها ماشین بیایم؟» سینه‌پایش سر جایشان نبودند. «کاک عزیز» آلا دید که پلک چشم راستش پریده و خون از چشم‌هایش بیرون می‌زد. پسر «خبات» دید که چشم چپش باد کرده و باز نمی‌شود و همه جای بدنش سوراخ سوراخ خورده و بعدش را وقتی روی زمین افتاده بود، اما موستاست که از ترکش‌های مین است. مادر «متین» هفت ساله که در دیروز از میروان برای میهمانی به خانه مادر شوهرش در نشکانش آمده بود، پسرش را دید که خون از سر و روی پسرش جاری است و ترکش‌هایی که دست و پا و آلت تناسلی‌اش را سوراخ سوراخ کرده بودند. «همه مردم از من می‌پرسیدند تو زخمی شدی» می‌گفتم من را اول کنید، بروید سراغ بچه‌هایم. میهمان‌هایی که نشسته بودند، بچه‌های من و خودشان را جمع کردند و برودند بیرون. فقط یادم است که آسمان جمعی چشم سیاه شده بود، همه می‌گفتند بدبخت شدیم و تو سرشان

آمد آمد بیرون، دیدم زیر درخت گردو هر کدام از بچه‌ها به گوشه‌های افتاده‌اند. دیدم که دهیار روستا که ماموستا هم است، گشین را بغل کرده و دیدم او یکی از باهایش کامل نیست، آن‌جا تازه فهمیدم که «مین» منفرج شده پشت خانه ما پایگاه نظامی است، موقعی که باران می‌آید، مین را آب جابه‌جا می‌کند. فوری بچه‌ها را آوردیم بیمارستان، یک ماه هم در بیمارستان بود. الان الحمدلله بهتر است و می‌تواند راه برود اما کمرش به خاطر این‌که شش متر برت شده، خیلی درد می‌کند. وقت‌هایی که می‌آید این‌جا و شب‌ها روی تخت می‌خوابد، کمرش بهتر می‌شود ولی در خانه او تخت ندارد. خواب من بی‌کرام و پول ندارم تا برایش بخرم. او می‌گفت تا به حال در همه‌ی این سال‌ها کسی نیامده تا به آنها آموزش دهد که مین چیست و باید در برابر آن چه کار کنند. می‌گفت او و همسرش از فیلم‌ها در باره خطر مین فهمیده‌اند. می‌گفت دور در محوطه‌ها مین‌گانه نظامی و روستاها را با یک چندسال پیش سیم خاردار ولی حالا همان هم نیست. از تابلوی خطر هم خبری نیست. او اینها را گفت و موتورش را روشن کرد تا به نشکانش برگردد. بعد از وعشوی از جمعیت ۱۲۰ نفر، ماش، روستا پرتو دارد و نگاه می‌هوش برای عکس زست بگیرد، گذاشت سر جایش و گفت: «بسم الله» یعنی که وقت رفتن است. پیکان سفید را که دم در منتظر دید، گفت من می‌روم جلو و لنگان لنگان نشست و گفت باید برویم «زوران» آن‌جا که دختر عمه‌اش «آلا» با چشم‌هایی که مین ضعیفشان کرد و حالا شعله باید یکی‌شان تخلیه شود، زندگی می‌کند. «زوران» را خود روستایی‌ها، یکی از کهنه‌فروشان می‌دانند. روستایی در ۳۰ کیلومتری شرق میروان که آب معنی‌اش برای درمان سنگ کلیه معروف است. آن‌جا این‌بار دارد و هیچ چیز ندارد. برای همین هم «گشین» به «زوران» می‌گوید «جهنم» باید اماسیدرا» و پایگاه سوزان را از جاده خاکی روستا تا که دور تا دورش را زمین‌های زرد گندم و درخت‌های سبز گرفته‌اند گذراند تا رسید به جایی که «آلا» با پدر و مادر و عمه‌ها و عموها و مادر بزرگش، یکی از ۲۵ خانواده‌اند و عشوی از جمعیت ۱۲۰ نفر، ماش، روستا پرتو دارد و نشانه‌خدا حافظی: «با هم بیایید منتظر تان هستیم»

به جاست و مین‌هایی که سرپاها دور آنها کاشته بودند تا دشمن نزدیک نشود و حالا همین مین‌ها دشمن اهالی نشکانش و روستاهای دور و برند. «رایعه» با لباس کردی و بنفش و «برهان» با لیخندی گشاده در را باز کردند و بعد «برهان» پدر گشین رفت دنبال «خبات»، چند دقیقه بعد «آلا» و پدرش «عزیز روینا» هم سر رسیدند؛ کم کم «زانا» و «اسینا» و «پهوش» هم رسیدند. هر کدام با زخم‌های جا مانده از ترکش‌های مین. «مین» را که شنیدند، ترسیدند. گفتند تازه دارد یادمان می‌رود آن روز را. «خبات» که اسمال می‌رود کلاس پنجم، با آن لباس کردی کوچکش، نشست رویه و رو گفت چشمش درد می‌کند. چشم چپش را نشان داد که سرخ است، سوزان، آرام چشمش را از گفت و پرسش‌های مین‌ها که آن روز، چند تنه ترکش، لب راستش را پاره کرده، حالا جای بچیها پنداست، ۵ یا ۶ «خبات» یعنی مبارزه با اما گفت دلش نمی‌خواهد مبارز شود، دوست دارد معلم شود. او این‌ها را گفت و پدر استراحت کرده حرف زد: «چشم راست آلا یک بار عمل شده اما نابینا شده و چشم چپش هم خوب نمی‌بیند. از این بچه‌ها فقط به گشین ۴ درصد جانبازی داده‌اند و آن هم هنوز صد درصد نیست. بعد از حدود یکسال هنوز پسر هونده بچه‌ها در فرمانداری و بنیاد شهید در حال بررسی است و برای هزینه درمان او پای خودمان است. اعصابش هم خرد است.» راست گفت. آلا ناندانش حرف زدند. حجاب حرفی را نمی‌داد. مثل خبات، زانا، اسینا، فارسی نمی‌فهمیدند و اگر کسی هم سوال را برایشان به کردی ترجمه می‌کرد، یک کلمه داشتند که بگویند: «زنا» آنها این کلمه را گفتند و نشستند دور سفره‌ای که مرغش را پدر گشین رفت از بیرون خرید، تکه تکه کرد و مادرش سرخ کرد تا مهمان‌داری کنند. با زبان روزه، بعد همه جمع شدند در در و گشین کشش را پوشید و دستش را دراز کرد. «مواظب باش. همه این‌جا میدان مین»

افتاب که غروب کرد، وقت رفتن بود. همه جمع شدند زیر درخت گردو. گفتند به سلامت، خوش آمدید: «به سسر چپاوه» دستهای سوراخ سوراخ آنها آمد بالا به نشانه‌خدا حافظی: «با هم بیایید منتظر تان هستیم»

میدان مین، همه‌جا

راه رفتن روستاهای میروان دل می‌خواهد، همه جا میدان مین است. برای همین راه اول اسمال پنج نفر که با چوپان بوده‌اند یا کشاورز، یک سرباز همدانی که همین چند روز پیش در مزرع روی مین رفت و پا و آلت تناسلی‌اش قطع شد. مثل روستای «اتحیران» در ۲۰ کیلومتری میروان. آخرین روستای ایران در نقطه صفر مریز با عراق و تا به حال چند کودک در آن روی مین رفته‌اند، مثل «همین بار خدا» که ۱۱ ساله بود که روی مین رفت، او حالا ۱۸ ساله و باغدار است. او مدرسه روستا نشن و آلت تناسلی می‌دهد که در یک متری پایگاه نظامی متروکه است. مهاجرا که مین منفجر شد و باعث شد او دیگر یک بن‌دانش باشد: «بنیبدید همه جای این روستا مخصوص وجود دارد و بهترین نمونه کنوانسیون ممنوعیت بکارگیری، انباشت، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و نابودی آنها (مصوب ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۷) مشهور به تاتاست. این کنوانسیون جدازت عنوان آن که گویای اهداف آن می‌باشد بر پاکسازی مین‌ها و کمک به قربانیان تصریح دارد. حق درخواست و دریافت کمک، تحصیل مشارکت غیر از تعهدات عمومی در زمینه نابودی مین‌ها در ماده ۶ به همکاران‌های بین‌المللی در خصوص حق درخواست و دریافت کمک، تحصیل مشارکت در بیشتر تن حد ممکن برای تسیال تجهیزات و اطلاعات فنی، ارائه تجهیزات پاکسازی و... و توانبخشی، توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی قربانیان مین و برنامه‌های آگاه‌سازی از طریق سازمان ملل، موسسات دیگر، کمیته بین‌المللی صلب‌سرخ جمعیت‌های هلال احمر پرداخته شده است. به نظر می‌رسد در شرایطی که فعالیت‌های پاکسازی به گفته مسئولان بدون وقفه در حال انجام است پیوستن به کنوانسیون اتاودر کنار ۱۶۱ کشور دیگر، گویا ظرفیت پاکسازی و حمایتی از قربانیان راه‌ها دارد.

میدان مین‌ها، همه‌جا

پیکان سفید دیواره از جاده‌های خاکی به راه افتاد، مردان کشاورز با لباس‌های کردی را رد کرد، زنان کنار جاده را با بادس‌های توی دست‌هایشان با آن لباس‌های رنگی و سرنبدها و جلیقه‌های کردی رد کرد، روستاهای «ننه» و «چوره» را رد کرد و رسید به جاده‌ای سربز که به «نشکانش» می‌رسید. در ۳۷ کیلومتری میروان جایی که گفته می‌شود حدود ۴ هزار مین در آن کار گذاشته شده حدود هزار تا ۱۵۰۰ تان یا تابه‌حال خنک شده پیکان سفید این‌بار جایی ایستاد که «قیامت» پارسل از همان‌جا شروع شد؛ زیر درخت گردو، در چند متری خانه «گشین» او پیاده شد و گفت «ببین، همین جا بود. ما هر روز با بچه‌ها از این‌جا می‌گذریم تا برسیم، به مدرسه فکر نمی‌کردیم این‌جا مین داشته باشه ولی داشت» دستش را کشید به تنه درخت گردو و گفت مواظب باشید، مواظب باشید و بعد پایگاه‌متروکه نظامی را نشان داد که چسبیده به خانه‌ش، آن قدیم مانده سربازها رفته‌اند، فرماندها رفته‌اند، جنگ‌های داخلی کردستان و جنگ ایران و عراق تمام شده اما دیوارهای پایگاه هنوز

یادداشت

حقوق قربانیان مین و مهمات منفجر نشده

آ جبار طهماسبی |

مدیر برنامه آموزش خطرات مین کردستان

براساس تحقیقات رسمی و آخرین اظهار نظر رئیس‌جمهوری و وزیر دفاع به مناسبت روز بین‌المللی آموزش خطرات و مقابله با مشکل مین (در ۴ اریل- فروردین ماه سال جاری) ایران با وجود ۱۶ میلیون مین پس از پایان جنگ تحمیلی در ۲۰۰ میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار زمین آلوده (در پنج استان آلوده غربی) دومین کشور آلوده به مین در دنیاست.

در حقیقت تنها قانون در این زمینه «قانون برقراری حقوق وظیفه یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعه کرده و علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت می‌شوند» مصوب ۱۳۷۲ است که با تغییراتی در سال‌های اخیر مواجهه و در نهایت قانون اصلاح ماده واحده قانون مذکور در ۱۳۸۹/۵/۳۱ تصویب و ابلاغ شد. با توجه به این قانون، به نظر می‌رسد که برخورداری از حقوق افراد دچار صدمه و آسیب نباید منوط به تشکیل کمیسیون ماده ۲ فرمانداری‌ها باشد چرا که اساسا حیثیت، جان، مال، حقوق... اشخاص طبق اصل بیست‌ودوم قانون اساسی از تعرض مصون است و در نتیجه اثر صدمات روحی و جسمی و خساراتی جبران نشده باقی‌ماند کرامت و ارزش آن فرد پایمال شده است. وظیفه دولت است که از هر آنچه موجب این امر شود جلوگیری یا جبران خسارت کند. بدیهی است قصور دولت در این زمینه، وظیفه دولت را در جبران خسارت دربی خواهد داشت. با این استدلال اگر شهروندی پس از سپری شدن ۲۶ سال از پایان جنگ در اثر عدم پاکسازی مناطق آلوده و برنامه‌های نامناسب در این زمینه دچار آسیب و خسارت شود دولت باید به‌طور مطلق موظف به جبران شود و در این خصوص میبای حقوقی و مبانی فقهی ضمانت‌آور مسئولیت مدنی دولت روشن و قیال ابلاغ است.

اما قانون یاد شده دارای اشکالات شکلی و ماهوی دیگری نیز هست. هر چند حذف عبارت فساد اخلاقی و سهل‌انگاری در تبصره یک (اصلاحیه ۸۹) مفید و مناسب‌تر است، اما برای حمایت از قربانیان را کمتر کرده است اما همچنان ابهام در واژه «عمد» وجود دارد چون در بسیاری از موارد انفجار در مناطقی رخ داده که علایم خطری وجود نداشته یا خطر کردن به فرض عمدی بودن بیشتر شامل حال کولبهار در نقاط مرزی گشته که باید با اقداماتی پیشگیرانه نظیر ایجاد شغل‌های جایگزین و توسعه اقتصادی منطقه به مقابله با این وضع پرداختند تا عدم حمایت از قربانی یا خانواده‌وی که خود مشکلات اجتماعی دیگر را به‌همراه می‌آورد. - عدم حمایت سوزی از قربانی تا اظهار نظر کمیسیون ماده ۲ (در فرمانداری‌ها) - ترکیب امنیتی کمیسیون و عدم حضور قربانی یا نماینده قانونی وی در جلسه - صرف حمایت مادی آن هم در بهترین حالت - مستمری ناچیز کمیته امداد و بهزیستی و... از دیگر ایرادات قانون مذکور است.

گسترش طیف حمایتی مورد نیاز قربانی:

امروزه مفهوم صدمه و آسیب به تمامی مصدق خسارت‌های مالی و روانی، عدم النفع، تحمل درد و رنج و آلام جسمی و روانی، از دست دادن فرصت انتفاع از زندگی و امید به زندگی توسعه یافته است که همگی می‌تواند بیانی از آثار گسترده انفجار بر قربانی و خانواده او باشد از این‌رو گستره حمایت‌ها باید در جهت ترمیم و جبران تمامی نیازها و رنج‌ها و مطابق با حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و نظرات و نگرانی‌های قربانی شامل مراقبت پزشکی، توانبخشی و حمایت‌های روانی و همچنین توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی باشد.

حمایت‌های افتراقی از کودکان و زنان قربانی: باید یک حمایت افتراقی بر مبنای اصل تبعیض مثبت نسبت به برخی از قربانیان براساس متغیرهای فردی نظیر جنسیت و سن لحاظ شود. **پیوستن به کنوانسیون اتاوا:** متأسفانه هنوز استفاده از مین ضد نفر طبق قواعد عرفی حقوق بین‌الملل ممنوع هر چند بکارگیری آن دو اصل بنیادین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، یعنی اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و دیگری اصل ممنوعیت رنج مصفا یا بهبوده را نقض می‌نماید اما تلاش‌های بین‌المللی در این خصوص وجود دارد و بهترین نمونه کنوانسیون ممنوعیت بکارگیری، انباشت، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و نابودی آنها (مصوب ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۷) مشهور به تاتاست. این کنوانسیون جدازت عنوان آن که گویای اهداف آن می‌باشد بر پاکسازی مین‌ها و کمک به قربانیان تصریح دارد. حق درخواست و دریافت کمک، تحصیل مشارکت غیر از تعهدات عمومی در زمینه نابودی مین‌ها در ماده ۶ به همکاران‌های بین‌المللی در خصوص حق درخواست و دریافت کمک، تحصیل مشارکت در بیشتر تن حد ممکن برای تسیال تجهیزات و اطلاعات فنی، ارائه تجهیزات پاکسازی و... و توانبخشی، توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی قربانیان مین و برنامه‌های آگاه‌سازی از طریق سازمان ملل، موسسات دیگر، کمیته بین‌المللی صلب‌سرخ جمعیت‌های هلال احمر پرداخته شده است. به نظر می‌رسد در شرایطی که فعالیت‌های پاکسازی به گفته مسئولان بدون وقفه در حال انجام است پیوستن به کنوانسیون اتاودر کنار ۱۶۱ کشور دیگر، گویا ظرفیت پاکسازی و حمایتی از قربانیان راه‌ها دارد.